

تشیع: ریشه‌ها و باورهای عرفانی

اعظم حیدری عارف

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

اشاره

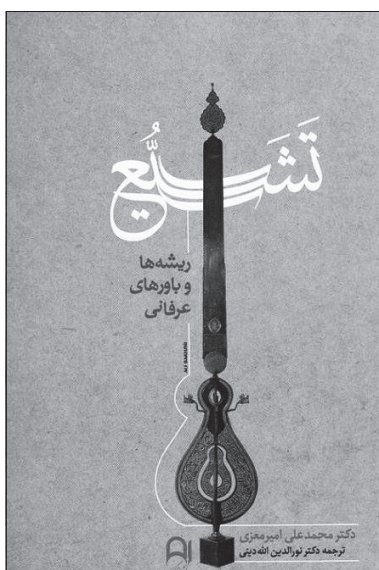
محمدعلی امیرمعزی در کتاب حاضر به ریشه‌ها و باورهای عرفانی در تشیع پرداخته است. هر مقاله بحثی مستقل دارد، اما در کنار هم، یک رشته از «جنبه‌های امام‌شناسی دوازده‌امامی» را تشکیل می‌دهند و در نظامی سامان یافته قرار گرفته‌اند. نویسنده با این چنین قصد دارد تا انسجامی را نشان دهد که به باور او، پیش از این، بازسازی آن درباره عقاید و رفتارهای مذهبی شیعه دشوار بوده است. مجموعه مقالات موجود در این کتاب، پیش از این، بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۵ در مجلات تخصصی و نشریات علمی اروپایی چاپ شده بود. متن اصلی مقالات به زبان فرانسوی بوده و به صورت کتاب نیز در دوره‌های (Textes et Traditions) از انتشارات «آزمایشگاه مطالعات ادیان توحیدی» چاپ شده است. ترجمه مقالات به زبان انگلیسی را مترجمانی چند برعهده داشته‌اند و چاپ آن با عنوان: (The Spirituality of Shi'I Islam) برعهده «فرهاد دفتری» و «مسئولان موسسه مطالعات اسماعیلی» در لندن بوده است. ترجمه متن به زبان فارسی را نیز با عنوان: «تشیع، ریشه‌ها و باورهای عرفانی» از روی همین نسخه انگلیسی، «نورالدین الله‌دینی» انجام داده و در نشر نامک مجموعاً در ۶۰۶ صفحه نخستین بار در سال ۱۳۹۴ چاپ شده است. روش نویسنده در این پژوهش پدیدار شناسانه است. در این روش پژوهشگر تلاش می‌کند تا بدون دخالت دادن فرضیه‌ها و تحلیل‌ها، صرفاً به جمع‌آوری و توصیف پدیده‌ها بپردازد و آنچه هست را توصیف کند.

گزارش محتوای فصل‌ها

فصل اول: مروری بر اصطلاح «دین علی» و سیری در سرچشمه‌های ایمان شیعی، ص ۲۳

در فصل اول به نام‌های شیعیانی اشاره شده که با نام «علی» ترکیب شده‌اند و در این میان، «دین علی» سبب کنجکاوای مؤلف شده و پرسش‌هایی را در ذهنش برانگیخته است: مگر «دین علی» با اسلام و با دین حضرت محمد تفاوت دارد؟ با توجه به اینکه «اسلام» و «دین محمد» هر دو به عنوان اسم به کار می‌روند، اصطلاح «دین علی» را چگونه باید توضیح داد؟ امیرمعزی بعدها این اصطلاح را در متون تاریخی اولیه نیز می‌یابد. این فصل کوششی است برای یافتن پاسخ به این پرسش قدیمی که این اصطلاح نمایانگر چیست؟ چگونه باید آن را تعبیر کرد؟ به طور خلاصه، باید گفت: «دین علی» هسته اولیه آن چیزی بوده که پس از آن «تشیع» نامیده شد.

تشیع: ریشه‌ها و باورهای عرفانی؛
محمدعلی امیرمعزی؛ تهران: نامک،
۱۳۹۴



فصل دوم: شهربانو، بانوی ایران زمین و مادر امامان: میان ایران پیش از اسلام و شیعه امامی، ص ۷۳

ازدواج امام حسین (ع) با شهربانو دختر یزدگرد سوم به شخصیت شهربانو به عنوان شاهزاده ساسانی و مادر امامان اهمیت ویژه بخشیده؛ زیرا او شیعه امامی را با ایران پیش از اسلام پیوند می‌زند. این فصل بر آن است تا منشأ، گسترش و پیامدهای احادیث و روایاتی را بررسی کند که بر شخصیت شهربانو تمرکز یافته‌اند. به طور خلاصه می‌توان گفت: نور ولایت حامل علم باطنی و فزّه مندی است که از راه نطفه از امامی به امام دیگر منتقل می‌شود و بدین ترتیب از حضرت علی بن حسین به بعد امامان حامل نور دوگانه‌اند؛ یکی نور ولایت که از حضرت علی و فاطمه و (بنابراین از حضرت محمد) منتقل گردیده و دوم «فزه» ایزدی از شاهان باستان ایران، توسط شهربانو.

فصل سوم: پژوهشی درباره الوهیت امام، ص ۱۳۹

در بعضی از متون پراکنده و درآمیخته با انبوه اخبار و احادیث متقدم شیعه، امام نه فقط به عنوان «انسان ربانی کامل» معرفی گردیده، بلکه به عنوان شخصی مقدس در اسماء، صفات و افعالی مشارکت کامل دارد که دانش کلام آن صفات را تنها مختص خداوند می‌داند. این «وجهه» امام با «انسان کیهانی» در سنن مذهبی و عرفانی خاور نزدیک و میانه که با نام‌های گوناگونی خوانده شده، همانندی‌های اساسی دارد. چنین به نظر می‌رسد که این مفهوم انسان کیهانی، از چند جهت پشتوانه و تصریح این تصور باستانی در عرفان اسلامی است.

فصل چهارم: وجود پیشینی امام، ص ۱۷۳

نویسنده در آغاز این فصل به اجمال به اصول عقیدتی تشیع دوازده امامی اشاره می‌کند که همه دور محور «چهارده معصوم» (ع) شکل گرفته است. این اشخاص مقدس تشکیل دهنده کلتی هستند که بنا بر باور شیعه، بازتاب کامل حقیقت خداوندی است؛ حقیقتی که در تجلی خویش دارای دو وجه است: اول، وجه آشکار یا بیرونی و ظاهری و دوم وجه درونی و باطنی. سپس می‌افزاید آغاز حکایت امام پیشینی، به چندین هزار سال پیش از آفرینش جهان بازمی‌گردد. در لامکانی به نام «أم الكتاب» خداوند شعاعی از نور خویش و سپس شعاع دومی از آن منشعب می‌سازد؛ شعاع نخست نور محمد است، نور نبوت، نور ظاهر. شعاع دوم همگون با نخستین و برخاسته از آن نور علی است، نور امامت یا ولایت، نور باطن. این فصل به این مباحث و دیگر مباحث مرتبط اختصاص دارد.

فصل پنجم: امام در ملکوت: عروج و تعلیم راز، ص ۲۰۸

«کسی که منکر سه چیز باشد، شیعه ما نیست: معراج و سؤال قبر و شفاعت». طبق این حدیث و احادیث مشابهی که گزارش شده، باور به معراج آشکارا یکی از ارکان ایمان شیعه امامی است، اما معراج و شفاعت چه کسی؟ قدیمی‌ترین مجموعه‌های احادیث دوازده امامی، احادیث

فراوانی را روایت می‌کنند که در شکل‌های گوناگون به حضور امام در آسمان (ملکوت) اشاره دارند و از توان انجام کارهایی برخوردارند که طبیعتاً در توان نبی است و غیر از رسالت پیامبری، از همه حقوق و امتیازات ویژه نبی برخوردار است. در خصوص معراج، در تصور شیعه دوازده امامی، ماهیت تعلیمی یا رازآشنایی معراج به مراتب بیشتر مورد تأکید قرار گرفته تا جنبه دیداری و شهودی آن.

فصل ششم: دانایی توانایی است: تعبیرها و نهفته‌های معجزه در تشیع امامی قدیم، ص ۲۳۵

با توجه به احادیث یکی از چشم‌گیرترین ویژگی‌های امامان توان انجام دادن معجزات و چیرگی آنها بر نیروهای اسرارآمیز است. تشیع نخستین آن‌گونه که از کهن‌ترین منابعش برمی‌آید و همچنین در ادبیات ملل و نحل نویسی، بُعدی انکارناپذیر از معجزه‌گری روحانی ارائه می‌کند. معجزات حتی جنبه‌ای اساسی از تصویر شیعی، یعنی تداوم پیامبری (نبوت) از طریق ولایت را تشکیل می‌دهند. مؤلف کتاب در این فصل گزارشی در دو قسمت از پدیده معجزه و تطور آن در دوره شکل‌گیری شیعه دوازده امامی ارائه می‌کند: ۱. معجزات در میان امامان (ع) و ۲. معجزات در میان اطرافیان و نزدیکان امامان و در فضاهای شیعی.

فصل هفتم: نکته‌هایی در باب ولایت امامی، ص ۱۷۹

درک بهتر آنچه جوهره ایمان شیعی به طور عموم و امامیه به طور اخص است، در این فصل بررسی می‌شود؛ زیرا تشیع بر مفهوم ولایت متمرکز است و شیعیان خود را اهل ولایت می‌خوانند. ولایت از منظر فنی شیعی دارای سه معنی اساسی است که مکمل و وابسته به یکدیگر هستند. این معانی عبارتند از: ۱. امامت ۲. محبت و دوستی (عُلقه) به امام ۳. إلهیات امام ماورای طبیعی. بنا بر تصور شیعی هدف نهایی شناخت خدا و پیامش، شناخت امام و دوستی و محبت به اوست که از طریق وحی به پیامبران نازل گردیده است و در همین نقطه است که «سفر بازگشت» آغاز می‌شود؛ شناخت و حُب امام، مؤمن را به سوی حقیقت رمزی هدایت می‌کند که چیزی جز وجه ظهوری خداوند نیست.

فصل هشتم: فقط مرد خدا انسان است: خدانشناسی و انسان‌شناسی عرفانی بر پایه تفسیر امامیه نخستین، ص ۳۲۹

در میان متون روایی امامان شیعه اثناعشری، سلسله احادیثی است که در آنها انسان‌ها به سه دسته تقسیم شده‌اند: ۱. معصومین (یعنی پیامبر اکرم (ص)، دخترش فاطمه (س) و امامان دوازده‌گانه ۲. مؤمنان ایشان (یعنی آنها که به امر امامان پیوستند) ۳. سایر انسان‌ها.

با توجه به احادیث مرتبط دیگر در حقیقت انسان‌های واقعی دسته اول هستند. در ادامه این فصل نخست به نگاه دوگانه شیعه به تاریخ

پرداخته شده است. تاریخی که نبرد بین دو نیروی ناسازگار خیر و شر شاخص آن است: امام و پیروانش از یک سو و دشمنان امام و حامیان آنها از سوی دیگر، به ترتیب نماد این دو نیرو هستند. این نبرد پیش از خلقت دنیای مادی و به هنگام اولین درگیری بین سپاه عقل و جهل آغاز گردیده بود.

فصل نهم: مجاهد تأویل: شعری از ملاصدرا درباره علی (ع)، ص ۳۶۱

این فصل با آوردن شعری از ملاصدرا درباره امام علی (ع) و تفسیر آن آغاز می‌شود؛ از آن رو که ملاصدرا با قرار دادن سنتی‌ترین تعبیر امامی از قرآن و احادیث و به‌ویژه حدیث مشهور «مبارز تأویل» در مبنای گفتمان خود، از شخص امام علی (ع) و از مبارزات ایشان و از مخالفان آن حضرت، چیزی کمتر از تأویل ارائه نکرده است. ملاصدرا آشکارا اعلام می‌دارد که علم توحیدی، چیزی جز علم بطون قرآن و حدیث نیست که ورای همه علوم است و وجود را دگرگون می‌سازد و بر مشاهده و مکاشفه مبتنی است.

فصل دهم: ملاقات با ائمه در عرفان معاصر دوازده امامی، ص ۳۸۹

خداوند دو ساحت وجودی دارد: یکی ساحت ذات که باطن خداوند است و هرگز شناخته‌شدنی و قابل دسترسی نیست و دیگری ساحت اسماء و صفات که همان وجه ظهورپذیر یا ظاهر او است. این سطح تنها سطح شناختنی خداوند است که با چشم دل و از طریق مشاهده حقیقت امام قابل «دیدن» است. از آنجا که امام غایب با صفت قائم (عج) شناسایی می‌شود، بعضی از عرفان توصیف ملاقات با امام را مقدمه بحث برای معادشناسی فرد مؤمنی دانسته‌اند که شایسته این افتخار بزرگ است. پژوهش حاضر در این فصل ضمیمه‌ای است بر پژوهش‌های پیشین که به جنبه‌های کلامی و عملی «دیدن با دل» در امامیه نخستین اختصاص داده شده بود.

فصل یازدهم: یادداشت‌هایی درباره دعا در شیعه امامی، ص ۴۲۵

دعا در اشکال متفاوتش، رایج‌ترین و جامع‌ترین نمونه عشق و دلبستگی شیعی است. در این فصل به دعا پرداخته شده و به‌طور مشخص با عناصر کمتر شناخته‌شده در ادبیات و بعضی از ابعاد و اشکال گوناگون دعا مثل توسل، استغاثه، دعا، دعای زیارت، موردی و به مناسبت خاص و غیره. در عرفان امامی، دعا کردن سالک مرتبط است با آنچه منابع نخستین «رؤیت بالقلب» «دیدن با دل» نامیده‌اند.

فصل دوازدهم: آخر زمان و بازگشت به مبدأ، ص ۴۵۳

مسلمانان از معاد تصور پایان زندگی انسان و جهان را دارند که سایر جنبه‌های اصطلاح آخرالزمان مانند عاقبت، حشر، بعثت، قیامت،

یا آخرت را نیز شامل می‌شود. واژه «معاد» به معنای حرکت به سوی نقطه آغاز است، از این رو فرضیه‌های بی‌شمار متکلمان، فیلسوفان و عارفان معمولاً این تصور رستاخیزشناسی را یا بازگشتی به منشأ هستی، یعنی خدا یا بازگشتی به هستی پس از مرگ یا رستاخیز می‌دانند. امیرمعزی معتقد است معادشناسی امامیه پژوهش‌های فراوانی را در پی داشته است، اما تاکنون هیچ پژوهش انتقادی به رابطه میان دو مفهوم مهم «آخر زمان» و «بازگشت به مبدأ» نپرداخته است. با وجود این به نظر او این رابطه نه فقط برای درک بهتر مفاهیم خاص مربوط به معادشناسی امامی و مهدویت، بلکه برای دریافت بهتر نقش مهم شخص امام بنیادی است.

فصل سیزدهم: گونه‌شناسی دیدار امام غایب، ص ۴۷۹

تعدادی از پژوهش‌های امیرمعزی به موضوع امام غایب و پیامدهای معنوی و فلسفی غیبت اختصاص دارد و با برداشتی کمابیش همچون استادش هانری گربن کوشیده است با رویکردی منتقدانه از یک سو تکمیل‌کننده مطالبی باشد که پیش‌تر گربن ارائه نموده است و از سوی دیگر به مشاهدات گربن، یعنی مبانی تاریخی عقیدتی او بازگردد. بنابراین تلاش مؤلف در این است که یک گونه‌شناسی از ملاقات با امام غایب در دوران غیبت انجام شود؛ روایاتی که برای بیش از هزار سال ایمان و امید مؤمنان را پایدار نگه داشته است. او بر این باور است که این گونه‌شناسی، تحول و تطور عقیده غیبت و نقش امام غایب را در ترازوی عرفان امامیه روشن‌تر می‌سازد و در عین حال تعیین می‌کند تا چه حد نظرات گربن قابل تأیید است.

فصل چهاردهم: غیبتی سرشار از حضور: تأویل شیخیه از غیبت، ص ۵۱۳

این فصل به بررسی تأویل‌های معادشناسی مکتب کلامی عرفانی شیخیه کرمان، به‌خصوص عقیده مرکزی آنها «رکن رابع» اختصاص یافته است؛ آنجا که مؤمنان هم در ترازوی معنوی نفوذی به اهمیت نفوذ امامان و پیامبران دارند. ظاهر و باطن در تمام سطوح عقاید شیعه حضور دارد. تصور دریافت آنچه که پنهان است، بلافاصله «کشف المحجوب» را تداعی می‌کند که کانون تمام عرفان اسلامی است و تشیع آمیخته با عرفان، توصیف کاملی از ماهیت سلسله شیخیه است. در پایان کتاب نیز بخش کتابشناسی و فهرست اعلام آمده است.